



در بخش پیش روایت کتاب دانیال نبی<sup>(ع)</sup> و کتاب اشعیای نبی<sup>(ع)</sup> را مرور کردیم که از ذی القرنین و کوروش یاد کرده بودند. سپس برای بررسی روایت اسلامی، به اخبار ذیل آیات صدرسوره مبارکه اسراء رفتیم که از دوبار تبهکاری بنی اسرائیل می گوید. در بار نخست آنها ساختن زیان دیدند و تبعید شدند تا اینکه لطف خداوند شامل حالشان شد و از تبعیدیهایی یافتند و اموالشان به ایشان بازگشت. در چند روایت آمده که این کار به دست فرمانروای ایران صورت گرفت که از او باین نام یاد شده است: کروس الفارس، خردوس الفارسی، کرووس، کورش، قورش و کورش همدانی (مادی). اینک ادامه آیات و تفسیرشان:

حمید یزدان پرست

## ذوالقرنین یا کوروش در متون مذهبی

بخش هشتم

خزانه دار خود-میترا داد- دستور داد که تمام این اشیای قیمتی را از خزانه بیرون بیاورد و به سرپرست یهودیانی که به سرزمین یهودا بازمی گشتند، تحویل بدهد. (باب ۸، ۷).

\* کوروش - فاتح بابل - در سال اول سلطنتش فرمانی صادر کرد که خانه خدا را نو ساخته شود. همچنین او تمام ظروف طلا و نقره ای را که نبوکدنصر از خانه خدا از اورشلیم گرفته و در بتخانه بابل گذاشته بود، دوباره به خانه خدا بازگرداند. کوروش این ظروف را به شیشبصر - که او را به سمت فرمانداری یهودا تعیین کرده بود - سپرد و به او دستور داد که ظروف را به محل خانه خدادار اورشلیم بازگرداند و خانه خدادار در آن محل دوباره بنا کند. (باب ۵، ۱۳، ۵).

\* داریوش فرمان داد که به تحقیق بپردازند. سرانجام در کاخ اکباتان - در سرزمین ماد - طوماری پیدا کردند که روی آن نوشته شده بود: در سال اول سلطنت کوروش پادشاه، در مورد خانه خدادار اورشلیم این فرمان صادر شد: «خانه خدا دوباره ساخته شود... تمام هزینه آن از خزانه پادشاه پرداخت شود. ظروف طلا و نقره ای که نبوکدنصر از خانه خدا گرفته و به بابل آورده بود، دوباره به اورشلیم بازگردانیده و مثل سابق، در خانه خدا گذاشته شود». (باب ۶، ۵).

سورآبادی (ج ۲، ص ۱۳۵۶) در همین باره می نویسد: «**نم زد نالکم الکره علیهم**: پس بازگردانیدیم شمارا دولت، بر ایشان به کوروش...» سیوطی در درالمنثور (ج ۴، ص ۱۶۵) به نقل از حدیقه صحابی می آورد که پیامبر (ص) فرمود: «چون بنی اسرائیل در روز سبت سرکشی کرد و برتری جست و پیامبران را کشت، خداوند بختنصر را بر ایشان برانگیخت تا اینکه به بیت المقدس وارد شد و در عوض خون زکر یا<sup>(ع)</sup>، هفتاد هزار نفر از ایشان را کشت و خاندانشان و فرزندان انبیا را به اسارت گرفت و زینت آلات بیت المقدس را با خود به بابل برد.»

حدیثی می گوید عرض کردم: «ای پیامبر خدا، بیت المقدس که در نزد خداوند مهم بود.» حضرت تأیید فرمود و درباره نحوه ساختن و جواهرات به کار رفته در آن توضیح دادند و اینکه بختنصر آنها را به بابل برد و بنی اسرائیل در حالی که بینشان برخی پیامبران و پیغمبرزادگان بود، سالها عذاب کشیدند تا اینکه خداوند بر ایشان رحم آورد: «... **فأوحی الی ملک من ملوک فارس، یقال له کورس و کان مؤمناً، أن سر الی بقایانی اسرائیل حتی تستتقدهم...**...» یکی از پادشاهان پارس که مرد مؤمنی بود، به نام کوروش، وحی کرد که به نزد بازماندگان بنی اسرائیل برود و آزادشان سازد... **فساز کورس ببنی اسرائیل ودخل بیت المقدس حتی رده الیه**: کوروش چنین کرد و داخل بیت المقدس شد و زیور آلات آن را بازگرداند و بنی اسرائیل صد سال فرمانبردار خداوند بودند. سپس دوباره به گناه بازگشتند و خدایکی از پادشاهان روم را بر ایشان چیره گردانید که به بیت المقدس آمد و اهالی را اسیر کرد و مسجد را سوزانید و به آنها گفت: «ای بنی اسرائیل، ان عدتم فی المعاصی، عدنا علیکم فی السبأ: اگر به گناهان بازگردید، ما هم به شیوه اسیر بردن شما برمی گردیم...» آنگاه حضرت فرمود: «این بود بخشی از صفت زینت آلات بیت المقدس و مهدی آنها را به بیت المقدس بازمی گردانند...»

ادامه دارد

**السموات والأرض الاآی الرحمن عبداً**: تمام کسانی که در آسمانها و زمین هستند، بنده اویند» (مریم، ۱۹)، یا برخی از بندگان به بیراهه رفته اند و گمراه گشته اند: «**أنتم أضللتم عبادی هؤلاء**: آباشما این بندگان مرا به بیراهه کشاندید یا خود گمراه شدند؟» (فرقان، ۱۷)، برخی از بندگان نیز با ارتکاب گناه بر خود ستم و اسراف می ورزند: «**یا عباد الذین اسرفوا علی انفسهم لا تقنطوا من رحمه الله**: ای بندگان من که بر خویشانتان زیاده روی روا داشته اید، از رحمت خدا نومید مشوید» (زمر، ۵۳)؛ بنابراین به کار بردن تعبیر بنده برای افراد مختلف، لزوماً به معنی تأیید جایگاه والای معنوی آنها نیست. (رک: مائده، ۱۸؛ زمر، ۴۶، ۷؛ شوری، ۲۵).

ج) و اما نکته سوم: **نم زد نالکم الکره علیهم و ممد ناکم باموال و بنین**: سپس دوباره شمارا بر آنان چیره



مردان وحشی که برای هلاک نمودن چالاک اند، تسلیم خواهم نمود». (باب ۲، ۳۱). چنان که دیدیم، در هر سه کتاب تثنیه، ارمیا و حزقیال به سرکشی بنی اسرائیل و سختگیری و خشم خداوند بر ایشان اشاره شده است و نیز اینکه دوباره خدایکرامت می کند و چنان که در کتاب حضرت ارمیا<sup>(ع)</sup> آمد، بابرانگیختن ایرانیان علیه بابل، بنی اسرائیل از اسارت رهایی می یابند و به بازمی گردند؛ بنابراین چه بسا بتوان منظور از «بندگان زورمند و جنگاور» در آیه مزبور را به سپاهیان بابلی حمل کرد!

باری، اینها همه تفصیل چندآیه ای است که با ایجاز ویژه قرآن کریم در اوایل سوره مبارکه «اسراء» آمده. اما ممکن است برخی اشکال کنند که چگونه می شود با جایگاه والایی که مفهوم «عبید» در فرهنگ اسلامی دارد، قرآن از کسی همچون بختنصر و یارانش به عنوان «عبادی» (بندگان من) نام برد؟ پاسخ کوتاه این است که آری، بندگی مقام برینی است؛ اما همیشه وجه معنوی این کلمه مورد نظر نیست. در قرآن همه موجودات از نوکار و بدکردار بنده خدا به شمار می آیند: «ان کل من فی

پادشاه بابل ترسان مباشید؛ زیرا من باشما هستم تا شمارا نجات بخشم و شمارا از دست اورهانی دهم» (باب ۴۲، ۱). اینک من جمعیت امتهای عظیم را از زمین شمال برمی انگیزم و ایشان را بر بابل می آورم و ایشان در برابر آن صف آرایی خواهند نمود و در آن وقت گرفتار خواهند شد. کلدانیان تاراج خواهند شد... اینک من بر پادشاه بابل و بر زمین او عقوبت خواهم رسانید و اسرائیل را به مرتع خودش بازخواهم آورد (باب ۹، ۱۸ و ۱۹)؛ زیرا خداوند روح پادشاهان ماد را برانگیخته است و فکر او به ضد بابل است تا آن رها لاک سازد؛ زیرا که این انتقام خداوند و انتقام هیکل او می باشد...» (باب ۵۱، ۱).

همین معانی به نوعی دیگر در کتاب حزقیال نبی<sup>(ع)</sup> تکرار شده است: «... خشم خود را بر تو خواهم ریخت و آتش غیظ خود را بر تو خواهم دمید و تو را به دست

«در آن کتاب [= تورات] به بنی اسرائیل خبر دادیم که قطعاً دوبار در زمین تبهکاری خواهید کرد و به سرکشی بسیار بزرگی برخواید خاست. پس آنگاه که وعده [تحقق] نخستین آن دو فرارسد، [گروهی] از بندگان خود را که سخت جنگاورند، بر شما می گماریم، تا میان خانه ها [یتان] به جستجو در آیند، و این تهدید تحقق یافتنی است...» (اسراء، ۵۴).

**ب) عباد انا اولی بأس شدید**. در مورد این «بندگان سخت جنگاور خداوند» نیز تفسیرهای گوناگونی شده است. ابن جوزی در زاد المسیر (ج ۳، ص ۱۰) و جوهات مختلفی را می آورد که یکی از آنها «قوم مین اهل فارس» است. درالمنثور (ج ۴، ص ۱۶۵) می نویسد: «**جند انا من فارس**: لشکری که از ایران آمد.» **فاذا جاء وعد الاخره** را هم به فرستادن لشکر پادشاه ایران به بابل معنی می کند (همان، ابوالفتوح در تفسیر روح الجنان (ج ۱۲، ص ۱۸۶) می نویسد: «یعنی بختنصر و لشکر او... از عهد خراب بیت المقدس تا آنکه که آبادان کردند در عهد «کی رش» (کوروش) هفتاد سال بود.»

در این مورد مراجعه به بخشهایی از سفر «تثنیه» تورات، راهگشا خواهد بود؛ آنجا که حضرت موسی<sup>(ع)</sup> پیشگویانه می فرماید: «اگر آواز یهود را نشنوی تا هشیار شده، همه اوامر و فریاض او را که من امروز به توام می فرمایم به جآوری، آنگاه جمیع این لعنتها به تو خواهد رسید... خداوند از دور، یعنی از اقصای زمین، امتی را که مثل عقاب می پرد، بر تو خواهد آورد؛ امتی که زبانش را نخواهی فهمید... و خداوند تو را در میان جمیع امتهای کران زمین تا کران دیگرش - پراکنده سازد و برای کف پایت آرامی نخواهد بود. (باب ۲۸) و چون جمیع این چیزها بر تو عارض شود... آنگاه خدایت بر تو ترحم خواهد کرد و تو را از میان جمیع امتهایی که تو را به آنجا پراکنده کرده است، جمع خواهد نمود و تو را به زمینی که پدران مالک آن بودند، خواهد آورد و بر تو احسان نموده، تو را بیشتر از پدران تو خواهد افزود...» (باب ۳۰).

در کتاب ارمیای نبی<sup>(ع)</sup> این موارد واضح تر بیان شده است که خلاصه اش بدین قرار است: «خداوند می گوید: ای خاندان اسرائیل، اینک من امتی را از دور بر شما خواهم آورد؛ امتی که زور آورد و امتی که قدیم اند و امتی که زبان ایشان را نمی دانی و گفتار ایشان را نمی فهمی (باب ۵، ۱۵). اینک قومی از زمین شمال می آورم و امتی عظیم از اقصای زمین برخواید خاست. ایشان مردان ستم کیش می باشند که ترحم ندارند (باب ۶، ۲۲-۲۳). اینک من فرستاده، تمامی قبایل شمال را (بنده خود) **نبوکدنصر** - پادشاه بابل - گرفته، ایشان را بر این زمین و بر ساکنانش و بر همه امتهایی که به اطراف آن می باشند، خواهم آورد و آنها را بالکل هلاک کرده، دهشت و مسخره و خرابی خواهم ساخت و تمامی این زمین ویران خواهد شد و این قومها هفتاد سال پادشاه بابل را بندگی خواهند نمود (باب ۲۵، ۹ و ۱۱). من یوغی آهنین بر گردن این امتهانهادم تا نبوکدنصر - پادشاه بابل - را خدمت نمایند. (باب ۲۸، ۱۴).

خداوند می گوید: چون مدت هفتاد سال بابل سپری شود، من از شما تقصد خواهم نمود و شمارا به این مکان بازخواهم آورد (باب ۲۹، ۱۰). خداوند می گوید: اینک من تو را از جای دور و ذریت تو را از زمین اسیری ایشان خواهم رها نید (باب ۳۰، ۱۰). از